



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: نوآوری در فقه/بانکداری/ربا/کنز

با توفیق پروردگار متعال بحث ارث تمام شد، به نظر بنده آمد که درباره نوآوری های فقهی و مسائل روز بحث کنیم، زمان در تالیف و فکر و فرهنگ و اقتصاد و همه چیز تاثیر دارد لذا اگر در باب نوآوری های فقهی در زمان خودمان بحث کنیم خوب است.

یکی از مسائل روز مربوط به بانکها و نوع فعالیتشان می باشد، اسلام همیشه عنایت دارد که تکاثر و انباشته کردن اموال در یک جایی بوجود نیاید و اینطور نباشد که هر کسی نسبت به اموال خودش هرکاری که دلش خواست بکند بلکه در اسلام حدود و اعتباراتی وجود دارد که ملکیت اموال بر اساس آنها معین شده است بنابراین به مسائل بانکها خیلی باید توجه شود، در اروپا بانکها بر اساس قرض فعالیت می کنند لذا ربوی هستند بر خلاف اسلام که قرض و دریافت زیاده و سود را ربا و حرام می داند پس بانکداری باید غیر ربوی باشد، البته ما وقتی به بانکها پول می دهیم در واقع آنها را وکیل می کنیم تا با پول ما وارد جریانات اقتصادی یا صنعتی و امثالهما بشوند و با پول ما معاملات اسلامی و حلال انجام بدهند و بعد با ما در سود حاصله شریک بشوند، یک قاعده کلی داریم که هر کس صاحب پول است صاحب منافع آن نیز می باشد مانند کسی که صاحب بذر است و صاحب حاصل آن بذر نیز می باشد و یا مانند کسی که صاحب گاو یا گوسفند است و صاحب شیر و پشم و بچه آنها نیز

می باشد، پس این یک قاعده کلی است که هر کس صاحب مالی باشد شرعا صاحب تمام عائدات آن نیز می باشد بنابراین بانکها وکیل ما می شوند و از طرف ما در جریانات و معاملات اقتصادی شرکت می کنند و بعد در سود حاصله با ما شریک می شوند منتهی ممکن است پول ما را در جریانی بیاندازند و سود بیشتری به دست بیاورند و از پول دیگری سود کمتری بدست بیاورند منتهی الان بانکها به همه سود یکسان می دهند و خلاصه اینکه تمام این مباحث در مورد بانکها و فعالیتهايشان و بانک بدون ربا وجود دارد که به مرور بحث خواهیم کرد.

چند مطلب به عنوان مقدمه باید عرض شود؛ اول اینکه کنز حرام است کنز یعنی اینکه کسانی پول و سرمایه خود را راکد بگذارند، پول و سرمایه مانند خون در بدن می باشد لذا نباید ثابت بماند بلکه صاحبان اموال باید آن را در جریان بیاندازند و در آیه شریفه نیز اینطور گفته شده: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴) يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)﴾^۱، یعنی و کسانی را که از زر و سیم می اندوزند و در راه خدا انفاقش نمی کنند، به عذابی دردآور بشارت ده، روزی که در آتش جهنم گذاخته شود و پیشانی و پهلوی و پشتشان را با آن، داغ کنند این است آن چیزی که برای خود اندوخته بودید حال طعم اندوخته خویش را بچشید.

در روایات نیز بحثی تحت عنوان کنز وجود دارد، در جلد دوم جامع السعادات تالیف ملامهدی نراقی اخباری

^۱ سوره توبه، آیه ۳۴ و ۳۵.

نقل شده که بر این مطلب دلالت دارند و تعبیری مثل "شر أمتی الأغنياء" یا "المال مادة الشهوات" یا "المال يعصم الفجار" در آنها ذکر شده و بالاخره وقتی مال در دست انسانها قرار گرفت و ثروتمند شدند وظائف و مسئولیتهائی دارند باید مراقب باشند که تکاثر و استکبار و مفسد این چنینی گریبان آنها را نگیرد، در دنیا نیز این جریان مفسد فراوانی دارد، امام رضوان الله علیه در نامه به گورباچف نوشتند که شما مراقب باشید حالا که از سوسیالیست نجات پیدا کردید در دامن کاپیتالیست و سرمایه داران نیافتید، الان دنیا اسیر سرمایه داران شده و روز به روز سرمایه داران ثروتمندتر و فقراء فقیرتر می شوند و اما اسلام حد وسط را گرفته.

همان طور که عرض شد یکی از مسائل مهم که مد نظر اسلام هست بحث کنز می باشد یعنی ثروتمندان بزرگ نباید اموال را راکد و متوقف کنند چراکه باعث ظلم می شود، پس بحث ما ابتدا درباره حرمت کنز می باشد.

آیت الله طباطبائی در مورد آیاتی که از سوره توبه خواندیم در تفسیر المیزان حدود هفت الی هشت صفحه بحث کرده، این آیات مربوط به این هستند که وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند سه طائفه از یهود در مدینه بودند و در حجاز ریشه داشتند و دارای ثروت و کاخ هایی بودند، اول اینها به مردم می گفتند که در تورات ذکر شده که پیغمبری خواهد آمد و خلاصه از حضرت تعریف می کردند ولی وقتی پیغمبر آمد اینها در مقابل حضرت و در جبهه مقابل او ایستادند، این سه طائفه عبارت بودند از؛ بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه، پیغمبر با آنها عهد و پیمان بست

که بر علیه مسلمانان فعالیت نکنند ولی گوش ندادند و مخالفت و عهد شکنی کردند و پیغمبر آنها را از مدینه اخراج کرد.

در سوره حشر یک آیه ای داریم که تعبیر عجیبی دارد و یک دستور بزرگی برای بشریت می باشد، در آیه شریفه اینطور بیان شده که: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۗ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾، یعنی آنچه را که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بپذیرید و هر چه نمی کند و آگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است، خداوند متعال نمی خواهد اموال بین اغنیاء دست به دست شود تا اینکه در مقابل افرادی فقیرتر بشوند بنابراین خداوند متعال فرموده اموالی که فقط ثروتمندان بر آن اشراف دارند و فقط در اختیار آنهاست و بین آنها دست به دست می شود و طوری برنامه ریزی کرده اند که تمام اقتصاد و معاملات و تجارت و صنعت و امثال ذلک فقط بین خودشان انجام شود، چنین اموالی باید به رسول و ذی القربى و یتامی و مساکین و ابن السبیل داده شود و اگر غیر از این باشد بین اغنیاء دست به دست می شود و این باعث می شود اغنیاء روز به روز ثروتمندتر و قدرتمندتر بشوند و در مقابل فقرا فقیرتر و محروم تر بشوند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین